

## سوال

فضیلت این که انسان خودش بر خود رُقِیة بخواند چیست؟ ادله این کار چیست؟ در رُقِیة بر خودش چه بخواند؟

## پاسخ مفصل

الحمد لله.

۱- اشکالی ندارد که انسان بر خودش رُقِیة بخواند زیرا این مباح و بلکه سنتی حسنه است زیرا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - خودشان را رُقِیة می کردند و برخی از اصحابشان را خودشان رُقِیة کردند.

از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هرگاه بیمار می شدند معوذات را بر خود می خواندند و فوت می کردند و هنگامی که بیماری شان شدید شد من بر ایشان می خواندم و دست خودشان را به امید برکت بر جاهای مختلف بدنشان می کشیدم» به روایت بخاری (۴۷۲۸) و مسلم (۲۱۹۲).

اما حدیثی که امام مسلم (۲۲۰) از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - درباره صفت هفتاد هزار تنی که از این امت بدون حساب و عذاب وارد بهشت می شوند، و در آن آمده: **رُقِیة نمی خوانند و درخواست رُقِیة نمی کنند و شوم انگاری نمی کنند و بر پروردگارشان توکل می کنند** این قسمت آن که **رُقِیة نمی کنند** و همی از سوی راوی است و سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیست، برای همین امام بخاری همین حدیث را به شماره (۵۴۲۰) روایت کرده و این لفظ را نیاورده است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می گوید:

و آنان را چنین ستوده که **درخواست رُقِیة نمی کنند** یعنی از کسی نمی خواهند که بر ایشان رُقِیة بخواند و رُقِیة از جنس دعاست، بنابراین از کسی آن را درخواست نمی کنند و این روایت با لفظ **رُقِیة نمی کنند** هم آمده که غلط است؛ زیرا رُقِیة خواندن آنان بر خود و دیگران (بدون درخواست) کاری نیک است و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بر خودشان و دیگران رُقِیة می خواندند ولی درخواست رُقِیة نمی کردند؛ زیرا رُقِیة کردن خود و دیگران از جنس دعای برای خود و دیگران است که به این امر شده است؛ زیرا همه پیامبران از خداوند درخواست می کردند چنان که خداوند در داستان آدم و ابراهیم و موسی و دیگران ذکر کرده است» (مجموع الفتاوی: ۱/ ۱۸۲).

ابن قَیْم - رحمه الله - می گوید:

این لفظ وارد حدیث شده است اما اشتباه برخی از راویان است (حادی الأرواح: ۸ / ۸۹).

و رقیه از بزرگترین داروهای است که شایسته است مومن بر آن محافظت کند.

۲- اما دعاهای مشروعی که مسلمان به هنگام رقیه کردن خود یا دیگران می‌خواند بسیار است که والاترین آن سوره فاتحه و معوذات (سوره اخلاص و فلق و ناس) است.

از ابوسعید - رضی الله عنه - روایت است که گفت: «گروهی از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در سفری به راه افتادند تا آن‌که نزد محله‌ای از محله‌های عرب توقف کردند و از آنان خواستند مهمانشان کنند اما چنین نکردند، پس بزرگ آنان را [مار یا عقربی] گزید پس هر چه کردند سودی نداشت، تا آن‌که یکی از آنان گفت: به نزد آن گروهی که توقف کرده‌اند بروید شاید نزد برخی از آنان درمانی باشد. پس نزدشان آمدند و گفتند: ای گروه، سرور ما گزیده شده و هر چه کردیم سودی نداشت، آیا کسی از شما چیزی [برای درمان او] دارد؟

یکی از آنان گفت: آری به الله سوگند من رقیه می‌کنم اما شما ما را مهمان نکریدید و من رقیه نمی‌خوام تا آن‌که دستمزدی برای ما مقرر کنید. پس بر روی یک گله توافق کردند. پس بر وی سوره حمد را خواند و دمید پس او سر حال آمد و انگار از بند رهیده باشد و گویا هیچ دردی نداشت برخاست و راه رفت. آنان به عهد خود وفا کردند و آن‌چه را توافق کرده بودند به آنان دادند. یکی از آنان گفت: تقسیمش کنیم. اما آن‌که رقیه خوانده بود گفت: چنین نکنید تا آن‌که نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - رویم و آن‌چه رخ داد را بگویم و ببینیم چه امر می‌کند. پس به نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمدند و آن‌چه رخ داده بود را بازگو کردند. ایشان فرمود: **از کجا دانستی که آن (سوره فاتحه) رقیه است؟ سپس فرمود: کارتان درست بوده. تقسیم کنید و به من هم سهمی بدهید و خودشان خندیدند.** به روایت بخاری (۲۱۵۶) و مسلم (۲۲۰۱).

از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هرگاه دچار دردی می‌شدند معوذات را بر خود می‌خواندند و نفت می‌کردند، اما همین‌که بیماری ایشان شدید شد من بر ایشان می‌خواندم و به امید برکت با دست خودشان ایشان را مسح می‌کردم» به روایت بخاری (۴۱۷۵) و مسلم (۲۱۹۲).

نفت که در حدیث آمده فوت کردند خفیف بدون آب دهان است و برخی گفته‌اند با کمی آب دهان. این را نووی در شرح حدیث (۲۱۹۲) مسلم بیان کرده است.

از دعاهای وارده در سنت:

مسلم (۲۲۰۲) از عثمان بن ابی العاص - رضی الله عنه - روایت کرده که ایشان از دردی در بدن خود به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شکایت بردند که از هنگام اسلام آوردن دچارش شده بود. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به ایشان فرمود: «دست خود را بر جایی که درد می‌کند بگذار و سه بار بسم الله و هفت بار **أعوذ بعزة الله وقدرته من شر ما أجد وأحاذر**

بگو» یعنی: به عزت و قدرت الله پناه می‌برم از آنچه می‌یابم و می‌ترسم. ترمذی (۲۰۸۰) افزوده است: **پس چنین کردم و خداوند آن درد را از بین برد و از آن به بعد خانواده‌ام و دیگران را به همین کار امر می‌کردم** آلبانی در صحیح سنن ترمذی (۱۶۹۶) آن را صحیح دانسته است.

و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - حسن و حسین را رقیه می‌کرد و می‌فرمود: **پدر شما [یعنی ابراهیم علیه السلام] اسماعیل و اسحاق را با آنها رقیه می‌کرد: أعوذ بكلمات الله التامة من كل شيطان وهامة ومن كل عين لامة** یعنی: به کلمات کامل الله پناه می‌برم از هر شیطان و هامه و از هر چشم لامة. به روایت بخاری (۳۱۹۱).

هامه: با تشدید میم، یعنی هر چیزی که سم کشنده دارد.

عين لامة: یعنی هر چشمی که زیان می‌رساند (تحفة الأحوزي).

والله اعلم.